

دوتا ۳۷۰	در میان گذاشتن / ۷۰
	یک شاگرد آنچه را که از حزقیال آموخته است، در میان می‌گذارد
T = معلم ۱	S = معلم ۲

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. موضوع امروز ما، این است: "یک شاگرد آنچه را که از حزقیال آموخته است، در میان می‌گذارد."

در حزقیال ۱ تا ۲۴، حزقیال نبی در مورد "ویرانی اسرائیل قدیم" یعنی یهودا و اورشلیم و معبدش نبوت کرده. و در حزقیال ۳۳ تا ۳۹ در باره "بازسازی اسرائیل جدید" نبوت کرده. او در باره بازگشت از تبعید، احیای سرزمین اسرائیل و بنای مجدد آن، احیای مردم اسرائیل، و شکست نهایی ملت‌های مخاصم با اسرائیل جدید نبوت کرده.

اما این تبدیل از اسرائیل قدیم به اسرائیل جدید "بدون ظهور مسیح موعود تحقق نخواهد یافت"، یعنی همان کسی که پادشاه اسرائیل جدید بوده، اسرائیل جدید را برای ابد شبانی خواهد کرد.

این تبدیل از اسرائیل قدیم به اسرائیل جدید "بدون توبه و بازگشت و احیای قلب و سکونت روح‌القدس تحقق نخواهد یافت".

و این تبدیل از اسرائیل قدیم به اسرائیل جدید "به این علت تحقق نخواهد یافت که اسرائیل شریعت را نگاه می‌دارد، بلکه فقط به علت فیض خدا". به این دلیل است که حزقیال در باره ظهور مسیح موعود و ضرورت بازگشت و اصلاح زندگی نبوت می‌کرد.

(S) حزقیال فصل ۱۸ نبوتی است در مورد مسؤولیت فردی هر شخص برای توبه و بازگشت.

اول- مسؤولیت. کسانی که با حزقیال مخالفت می‌ورزیدند، این ضرب‌المثل را به‌کار می‌بردند که می‌گفت: "غوره را پدران خوردند و دندان فرزندانشان گند شد." ایشان مصائبی را که در روزگار خودشان بر ایشان نازل می‌شد، به گردن اجدادشان می‌انداختند. در کتاب مقدس، هر دو مفهوم تعلیم داده شده، یعنی "همبستگی انسانها" چه به صورت ملت، چه به صورت کلیسا و چه به صورت خانواده؛ و همینطور "مسؤولیت شخصی هر فرد". ده فرمان در خروج فصل ۲۰ می‌گوید که خدا فرزندان کسانی را که از او نفرت داشته‌اند، تا پشت سوم و چهارم مکافات خواهد رساند، اما بر هزار پشت بر آنانی که او را دوست داشته‌اند، رحمت خواهد کرد. ده فرمان بر تأثیر بد و خوب نیاکان بر نسلشان تأکید دارد تا به انسان هشدار دهد که از خدا ناطاعتی نکند، بلکه اطاعت. ده فرمان در مورد "شرارتی که هنوز به‌عمل نیامده" هشدار می‌دهد و به انسان گوشزد می‌کند که گناهان شخصی او نه فقط بر خودش، بلکه بر فرزندان نیز اثر خواهد گذاشت.

اما حزقیال در مورد "شرارتی هشدار می‌دهد که قبلاً به‌عمل آمده" و به مردم هشدار می‌دهد که خدا شخص ایشان را برای گناهانشان مسؤول می‌داند. او تأکید می‌کند بر اینکه هر فرد مسؤول نوع زندگی‌ای است که در این جهان دارد. آیات ۲۱ و ۲۲ می‌فرماید: "اگر شخص شرووری از تمام بديها و گناهان خود دست بکشد و مطیع احکام و قوانین من گردد و راستی و انصاف را پیشه خود سازد، به یقین زنده مانده، نخواهد مرد. تمام گناهان گذشته او آمرزیده خواهد شد و بسبب راست‌کرداری‌اش، زنده خواهد ماند." اما در آیات ۲۳ و ۲۴ این هشدار آمده: "اما اگر شخص درستکار عدالت را ترک گوید و مرتکب گناه گردد و مانند سایر گناهکاران رفتار کند، آیا او زنده خواهد ماند؟ البته که نه. تمام خوبی‌های گذشته‌اش نادیده گرفته می‌شود و بسبب خیانت و گناهی که کرده است، خواهد مرد." پس کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که "اصل همبستگی میان پدران و فرزندان باطل‌کننده اصل مسؤولیت فردی نیست".

دوم- توبه. حزقیال ۱۱: ۸-۲۰؛ ۱۸: ۳۰-۳۱ تعلیم می‌دهد که انسانها فقط زمانی قوم خدا می‌شوند و خدا، خدای ایشان می‌شود که توبه کنند و از زندگی گناه‌آلود خود بازگشت کنند و از روح خدا تولد تازه دریافت کنند. نجات الهی در دو جهت عمل می‌کند: "او انسان را از زندگی منحطش نجات می‌بخشد" و نیز "او را نجات می‌بخشد تا انسان احیاشده‌ای گردد".

(T) حزقیال فصل ۳۳ نبوتی است در باره نقطه عطف در رسالت حزقیال. تا زمانی که معبد بر پا بود، وظیفه حزقیال این بود که "تابودی قریب‌الوقوع اسرائیل" را اعلام دارد. پس از ویرانی معبد و تبعید قوم اسرائیل، وظیفه‌اش این شد که "بازسازی آتی اسرائیل" را اعلام دارد. رحمت خدا بر داوری او غلبه خواهد یافت (یعقوب ۲: ۱۳). از آنجا که شرط مطلق خدا برای بازسازی و احیا، توبه است، وظیفه حزقیال این بود که اعلام دارد که همه باید از گناهان خود دست بکشند و آنچه را راست و درست است انجام دهند (۲۰-۱۰).

(S) حزقیال فصل ۳۴ نبوتی است در باره خداوند در مقام شبان اسرائیل. حزقیال علیه "شبانان" شرور اسرائیل نبوت می‌کرد (۱۰-۱). این شبانان شامل پادشاهان و بزرگان و مقامات و رؤسای قبایل و خانواده‌ها می‌شد که به گله خدا توجهی نمی‌کردند، بلکه بر گوسفندان خدا با خشونت و شدت حکومت می‌کردند. حزقیال نبوت می‌کرد که خود خداوند به‌واسطه مسیح موعود، شبان خواهد بود (۱۱-۱۶) و از ضعیفان مراقبت به‌عمل خواهد آورد، اما "قوچ‌ها و بزها" را که با خشونت و بی‌عدالتی خود بر گوسفندان ستم می‌راندند، داوری خواهد کرد (۱۷-۲۲).

(T) حزقیال فصل ۳۶ نبوتی است در باره افراد احیاشده و سرزمین بازسازی‌شده به‌دست خداوند. حزقیال نبوت می‌کرد که سرزمین اسرائیل "پیش از آنکه" تبعیدیان به اسرائیل باز گردند، مجدداً کشت شده، بازسازی خواهد شد. ایشان دیگر هرگز از میراث خود محروم نخواهند شد (۱-۱۵). او نبوت می‌کرد که سرزمین قبلی که تقدس خود را از دست داده بود و نیز

مردمانش، تطهیر خواهند شد، نه به علت اینکه اسرائیل چیزی بود یا کاری کرده بود، بلکه فقط در نتیجه اینکه خدا می‌خواست حرمت نام خود را در مقابل ملت‌ها حفظ کند. بازسازی و احیای اسرائیل فقط بر پایه مشیت و فیض حاکمانه خدا خواهد بود. به این دلیل است که گناهان اسرائیل به ایشان گوشزد می‌شود، و اینکه چگونه نام مقدس خدا را در میان ملت‌ها بی‌حرمت کرده‌اند (۲۲-۲۳). خداوند مشیت خود را به واسطه اعمالی تحقق خواهد بخشید که نه ملت‌های اطراف باور خواهند کرد، و نه توده یهودیان. او ایشان را به سرزمین اسرائیل باز خواهد آورد (۲۴)، و ایشان را تطهیر خواهد کرد تا بتوانند به حضور او بیایند (۲۵)؛ او به ایشان دلی نو خواهد بخشید و کاری خواهد کرد که روح القدس در روح ایشان ساکن شود (۲۶)، تا به این وسیله با نهایت میل اراده خدا را بهجا آورند (۲۷). “اسرائیل جدید” فقط و فقط زمانی قادر خواهد شد “در سرزمین جدید زندگی کند” و مشیت اولیه خدا محقق گردد که این احیا صورت گرفته باشد (۳۶: ۳۳؛ ۳۷: ۱۳-۱۴)؛ و مشیت و هدف او این است که اسرائیل قوم خدا باشند و خدا خدای ایشان باشد (۲۸؛ خروج ۶: ۷؛ دوم قورنتیان ۶: ۱۶). آنگاه خرابه‌های پیشین بازسازی خواهد شد و زمین متروک قبلی زیر کشت خواهد رفت و سرزمین مانند باغ عدن خواهد گشت (۳۳-۳۵). و مردم اسرائیل بار دیگر بشمار خواهند شد (۳۷-۳۸). در فصل ۳۶، در یکی از نبوت‌ها حزقیال نبوت کرد که ملکوت آینده خدا مانند فروریختن روح القدس به‌هنگام ظهور اولیه مسیح و مانند زمین جدید به‌هنگام بازگشت او خواهد بود.

(S) حزقیال فصل ۳۷ نبوتی است در باره قوم اسرائیل که از سوی خداوند احیا می‌شود. در آیات ۱-۱۴ حزقیال تعلیمی در عهدعتیق در باره قیامت مردگان نمی‌دهد، بلکه بشارت می‌دهد که خدا قوم اسرائیل را احیا خواهد کرد. “دره‌ای پر از استخوانهای خشک که بدون دفن روی زمین پخش شده بود” نمادی است از کل خاندان اسرائیل که با خشونت از میان رفته و در میان ملت‌ها پراکنده شده است، بدون حیات و امید (۱۱). “قبرها” واقعاً به قبر اشاره نمی‌کند، بلکه نمادی است از کشورهایی که اسرائیل در آنها پراکنده شده است. قوم اسرائیل در تبعید بسر می‌برند، درست مانند اجساد که در قبرها می‌باشند (۱۲-۱۳). در چنین شرایط نامیدکننده‌ای در تبعید، خدا فیض خود را بر ایشان مکشوف خواهد ساخت و ایشان پی خواهند برد که خدا ایشان را کاملاً ترک کرده بوده است (۱۱-۱۲). خدا خودش “قبرهای ایشان را خواهد گشود” و ایشان را از قبر بر خواهد آورد؛ اینها نماد این است که خدا ایشان را از کشورهایی که در آنها در تبعید بسر می‌بردند، بیرون خواهد آورد. خدا روح القدس خود را در ایشان خواهد نهاد و ایشان را در سرزمین خودشان برقرار خواهد داشت. “فقط اسرائیلی تولدتاز می‌افته خواهد توانست در سرزمینی تولدتاز می‌افته زندگی کند” (۳۶: ۳۳).

در آیات ۱۵-۲۲، حزقیال نبوت کرد که تبعیدیهای متعلق به حکومت شمالی سابق اسرائیل و حکومت سابق یهودا مجدداً در سرزمین مورد تفتد، متحد خواهند شد. و در آیات ۲۳-۲۸ حزقیال نبوت کرد که آینده شکوهمند اسرائیل تحت حکومت پادشاه واقعی‌شان داود خواهد بود که نمادی است از مسیح موعود. در حزقیال ۳۷، حزقیال در یک نبوت واحد، در باره بازگشت از تبعید، مسیح موعود، فروریختن روح القدس و پیمان جدید که پیمانی ابدی خواهد بود، نبوت کرد (عبرانیان ۸: ۱۳-۱۴). این امور به‌هنگام آمدن مسیح تحقق یافت.

(T) حزقیال ۳۸-۳۹ نبوتی است در باره شکست نهایی دشمنان اسرائیل به‌دست خداوند. بازگشت اسرائیل و احیای ایشان کامل نخواهد بود مگر آنکه به سؤال مربوط به ملت‌های مخالف پاسخ دهیم.

اول- از دیرباز، اسرائیل از سوی ملت‌های پیرامون مورد آزار و اذیت قرار داشت. ابتدا اومیان و موآبیان و عمونی‌ها، سپس فلسطینیان و کنعانیان، بعد ارمیان و سرانجام آشوریان و بابلیها ایشان را از سمت شمال مورد تهاجم قرار دادند. اسرائیل بیش از پیش “ملت‌های خدانشناس” را همچون نیروهای مخاصم بر علیه خدا و قوم خدا می‌دید. حزقیال نبوت کرد که آخرین آزمایش قوم خدا یعنی اسرائیل، حمله‌ای خواهد بود از سوی ملت‌های مخاصم که خواهند کوشید آرامش و ثروت اسرائیل را برابیند. اما خدا از قومش محافظت کرده، و ملت‌های مخاصم را از میان خواهد برد.

دوم- حزقیال می‌گوید که نبوتش در باره جوج و لشکریانش قبلاً از سوی سایر انبیا نبوت شده بوده است (۳۸: ۱۷؛ ۳۹: ۸). شمال همیشه برای اسرائیل آن منطقه ناشناخته عظیمی بود که قدرت‌های مخاصم بر علیه خدا انتظار می‌رفت که از آنجا بیایند (اشعیا ۱۴: ۳۱؛ ارمیا ۱: ۱۵؛ ۶: ۱ و ۲۲). این ملت‌های شمالی لشکریان عظیمی متشکل از سواران بود که قوم اسرائیل ایشان را تحت نام “سکیتیان” می‌شناخت که از سال ۶۳۰ قبل از میلاد به بعد، در سراسر آسیای غربی به بدی شهرت داشتند و همچنین دشت سرسبز شارون و فلسطین را نابود کرده بودند. گرچه نام ملت‌های مهاجم تغییر می‌کند و گاه آشور است و گاه بابل، اما زمانی خواهد رسید که همه ملت‌های مخاصم با هم به اورشلیم حمله خواهند کرد (یونیل ۳: ۱-۱۶؛ ارمیان ۶: ۲۲-۲۳؛ ۲۵: ۳۳-۳۰؛ ۲۴-۲۳؛ صفتیا ۱: ۱۴-۱۸؛ ۳: ۸-۹؛ زکریا ۱۲: ۲-۹؛ ۱۴: ۱-۲۱). گرچه نام “جوج” در این نبوت‌ها ذکر نشده، اما همه آنها به همین رویداد آخرزمان اشاره دارند.

سوم- رهبر لشکریان مهاجم که “جوج” نامیده می‌شود، شخصیتی تاریخی بود، اما او مظهر قدرت‌های مخاصمی گردید که علیه خدا قد علم می‌کردند.

حزقیال نیازی نداشت شرح دهد که جوج که بود و سرزمین ماجوج کجا بود، زیرا اینها اموری بود که برای تبعیدیون شناخته شده بود. توضیح داده شده که جوج رئیس بزرگ ماشیک و توپال است؛ اینها در شمال آسیای صغیر واقع بودند. احتمال کمی وجود دارد که جوج همان “گوگیس” لیدییه باشد، یعنی همان پادشاه خونخوار در آسیای صغیر در حدود ۶۰۰ قبل از میلاد. به احتمال زیاد، حزقیال این جوج یا گوگیس اهل آسیای صغیر را همچون “بازنمود” اتحادیه ملت‌هایی تلقی می‌کرد که اسرائیل را از شمال مورد حمله قرار خواهند داد. “جوج” تبدیل می‌شود به ضدمسیح عهدعتیق، همان دشمن آخری که باید پیش از استقرار کامل ملکوت خدا در اسرائیل شکست بخورد.

چهارم- نام ملت‌های مهاجم، ماشیک و توبال و ماجوج و بیت‌توجر مه ذکر شده که اهالی فریگیه و کپدوکیه بودند که در شمال آسیای صغیر زندگی می‌کردند؛ همچنین پارس و جومر که مردمان ایرانی بودند که در اصل در شرق زندگی می‌کردند؛ و کوش و فوط که مردمان شمال آفریقا بودند که در جنوب زندگی می‌کردند. شایان ذکر است که دشمنان سنتی خدا در میان این ملت‌هایی که به اسرائیل حمله خواهند کرد قرار ندارند، زیرا در حزقیال ۲۴-۳۲ ایشان قبلاً به شناخت قدرت خدا نائل آمده‌اند و دیگر جرأت ندارند قوم خداوند را مورد حمله قرار دهند (۳۶: ۳۶).

پنجم- حزقیال نبوت کرد که این حمله “بعد از روزهای بسیار” در آینده رخ خواهد داد (۳۸: ۸)، یعنی “در آینده دور” (۳۸: ۳۸): ۳۹؛ ۴۱؛ ۴۶؛ ۸).

در نوشته‌های تمام انبیا، این اصطلاح به “آخر زمان” اشاره دارد یعنی “آن زمانی که جلال مسیح موعود بر اسرائیل بتابد و مشیت خدا در مورد اسرائیل بطور کامل تحقق یافته باشد (اشعیا ۲: ۲؛ ارمیا ۲۳: ۲۰؛ هوشع ۳: ۵؛ دانیال ۱۰: ۱۴). شایان ذکر است که خدا خودش جوج و لشکریانش را حاکمانه بر علیه اسرائیل بیرون خواهد آورد (۳۸: ۳-۹). این بدان معنا است که جوج فقط “وسیله‌ای” در دست خداوند خواهد بود (امثال ۱۶: ۴). گرچه جوج کاملاً مسؤول اعمال شرورانه خود خواهد بود، اما اعمالش را خداوند تعیین و کنترل خواهد کرد (پیدایش ۴۵: ۵، ۸؛ اشعیا ۶: ۲۶؛ ۷: ۱۸-۲۰؛ ۱۰: ۵؛ رومیان ۹: ۱۷). این نشان می‌دهد که خداوند حاکم مطلق بر تمامی ملت‌های جهان و تمامی رویدادهایی است که در تاریخ رخ می‌دهد (اشعیا ۴۱: ۴، ۲۲-۲۹؛ ۴۳: ۹-۱۳؛ ۴۴: ۸؛ ۴۵: ۲۱). بنابراین، این حمله جوج و لشکریانش خدا را غافل‌گیر نمی‌سازد.

ششم- حزقیال نبوت کرد که خدا چگونه حاکمانه قدرت این ملت‌های مخاصم را در هم خواهد شکست (۳۸: ۳۸-۳۹؛ ۲۳-۱۹؛ ۲۰-۱).

خدا این ملت‌های مخاصم را به وسیله زمین‌لرزه‌های نیرومند و توفان تگرگ و گوگرد سوزان از میان خواهد برد (دوم پطرس ۳: ۱۰؛ مکاشفه ۱۶: ۱۷-۲۱؛ ۲۰: ۷-۹). لشکریان عظیم و فرماندهانشان و اسبان‌شان تبدیل به قربانی خوردنی خواهند شد، اما نه برای خدایان، بلکه برای حیوانات درنده (مکاشفه ۱۹: ۱۷-۱۸). در طول این حمله و نابودی ملت‌های مخاصم، اسرائیل نیازی نخواهد داشت که بجنگد، بلکه فقط ناظر اعمال قدرتمند خدا برای نجات خودش خواهد بود.

هفتم- حزقیال علت این آخرین مبارزه میان خدا و ملت‌های مخاصم را شرح می‌دهد.

علت آن است که خدا می‌خواهد حرمت نام خود را از طریق نمایاندن جلال خود اعاده کند (۳۹: ۲۱-۲۴). از آن روز به بعد، اسرائیل خواهد دانست که خداوند واقعاً خدای او می‌باشد. و ملت‌ها خواهند دانست که چرا خدا قبلاً اسرائیل و اورشلیم و معبد را با ویران کردنشان تنبیه کرد. در این بخش، نبوت حزقیال از آینده به مصائب کنونی اسرائیل باز می‌گردد. دیگر ویران‌کنندگان، جوج و لشکریانش نیستند، بلکه بابلی‌ها می‌باشند (۳۹: ۲۳). بدینسان، تصویر روزهای آخر برای تسلائی اسرائیل در وضعیت فعلی‌شان در تبعید به‌کار می‌آید و ایشان را از قطعیت رهایی‌آتی‌شان مطمئن می‌سازد. اسرائیل همچنین باید بیاموزد تا با ایمان زیست کنند و به کلام نبوتی خدا ایمان داشته باشند، حتی اگر تحققش به‌درازا بینجامد، و تابع هدایت حاکمانه خدا در زندگی کنونی‌شان باشند.

هشتم- در حزقیال ۳۹: ۲۵-۲۹، حزقیال خلاصه‌ای از کارهای خدا در آخر زمان را ارائه داد.

او نبوت کرد که دوره جدیدی در تاریخ اسرائیل در آستانه آغاز شدن است. سه عمل بزرگ مربوط به آخر زمان عبارت بودند از بازگشت از تبعید، نابودی ملت‌های مخاصم، و فروریختن روح‌القدس (۳۹: ۲۹؛ اشعیا ۳۲: ۱۵-۲۰؛ ۴۴: ۳-۵؛ یونیل ۲: ۲۸-۳۲؛ زکریا ۱۲: ۱۰-۱۴)

(S) حزقیال فصل‌های ۴۰-۴۸ نبوتی است در باره معبد جدید و شهر جدید و سرزمین جدید اسرائیل.

اول- در این فصل‌ها، حزقیال در باره زمان شکوهمند نهایی نبوت کرد که طی آن، ملکوت خدا در اسرائیل جدید تحقق خواهد یافت. “مشخصه اصلی ملکوت خدا در شکل نهایی‌اش این است که میان احیای درونی و اشکال بیرونی و ظاهری، توافق کامل وجود خواهد داشت.” حزقیال اعلام می‌دارد که تجلی جلال خدا (۳۲: ۲۱) و “فروریختن روح خدا” (۳۹: ۲۹) در حیات جدید و در سرزمین جدید تجلی خواهد یافت. “جلال خدا نه فقط بر فراز زمین متعال می‌شود، بلکه در اشکال حیات بر زمین نیز فرود می‌آید.” خدا می‌خواهد خلقت جدید را در کمال خود شریک سازد. در تصویر نبوتی حزقیال، اشکال جدید حیات در معبد “جدید” و خدمت “جدید” در معبد و در سرزمین و شهر “جدید” متجلی می‌شود (ر.ش. اشعیا ۱۱: ۱-۹؛ مکاشفه ۲۱-۲۲).

دوم- شایان توجه است که حزقیال ۴۰-۴۸ در باره “آفرینش اشکال جدید” حیات در اسرائیل سخن نمی‌گوید، بلکه در باره “اصلاح اشکال قدیمی” حیات در اسرائیل. اشکالی که موسی در شریعت دریافت داشت، شالوده اشکال جدید حیات در اسرائیل باقی خواهد ماند. اما این اشکال جدید حیات تحت تأثیر “روحی” جدید قرار خواهند گرفت و بدینسان اشکال قدیمی را به چند طریق تغییر خواهند داد. حزقیال نه فقط در باره “احیای درونی” از طریق دلی نو و روحی نو نبوت کرد، بلکه همچنین در باره ضرورت این امر که احیای درونی از “شکلی بیرونی” برخوردار خواهد بود. پیام او این است که بدن جدید متعلق به روحی جدید است. حرمت خدا زمانی حفظ خواهد شد که تمامی جهان تبدیل شود به بازتاب جلال او. حزقیال نبوت کرد که این مکاشفه جلال خدا در آینده، “در اسرائیل و از طریق آن” رخ خواهد داد. با مقایسه فصل ۱ با فصل‌های ۴۰-۴۸، مشاهده می‌کنیم که جلال خدا که کروبیان به‌گونه‌ای باشکوه باز نمود آن بودند، به اسرائیل خواهد رفت و از طریق اسرائیل به تمام جهان. این امر از طریق “حرکت مستقیم” کروبیان نشان داده شده (۱: ۹، ۱۲) و قوم جدید اسرائیل نیز به‌همان صورت، وقتی در روزهای اعیاد بزرگ برای عبادت خداوند می‌آیند، “مستقیم حرکت می‌کند” (یا “از دروازه مقابل بیرون” می‌رود) (۴۶: ۹). “اسرائیل جدید بر روی زمین همان چیزی خواهد بود که کروبیان در آسمان هستند.” درست همانگونه که کروبیان حامل حیات الهی هستند، به همان شکل نیز در اسرائیل جدید نهر حیات خواهد بود (۴۷: ۱-۱۲). تخت سلطنت خدا که بر فراز سر کروبیان قرار داشت (۱:

(۲۶)، در معبد جدید جای گرفت (۷: ۴۳) و نام شهر جدید نیز "شهر خدا" نامیده خواهد شد (۴۸: ۳۵). درست همانطور که گردونه تخت سلطنت به شکل مربع بود (۱: ۹-۵)، به همان شکل نیز صحن معبد جدید (۴۲: ۱۵-۲۰)، و شهر جدید (۴۸: ۱۵-۱۷) و تمام محوطه شهر و مناطق کاهنان و لایوان (۴۸: ۲۰) که مرکز جدید اسرائیل جدید خواهد بود، به شکل مربع خواهد بود (مکاشفه ۲۱: ۱۵-۱۶). به این ترتیب، "همه اشکال بیرونی، از حیات جدید درونی آکنده خواهد شد". در معبد جدید، قوم جدید و کاهنان و رئیس قوم به درون و بیرون می‌روند تا قربانی‌هایی جدید بیاورند و اعیاد جدید را برگزار کنند. شهر جدید در میان تمام قبایل اسرائیل تقسیم خواهد شد و هر قبیله دروازه خود را خواهد داشت (۴۸: ۳۰-۳۴؛ مکاشفه ۲۱: ۱۲-۱۳). و هر قبیله از میراثی برابر در سرزمین جدید برخوردار خواهد بود. بدینسان، رؤیای حزقیال در باره آنچه که در فصل اول از خود خداوند دیده بود، منتج به رؤیای او در باره چگونگی معبد جدید و شهر جدید و سرزمین جدید در فصل‌های ۴۰-۴۸ می‌شود. حزقیال نشان می‌دهد که "هنگامی که خدا حیات خود را به انسان باطنی ارزانی می‌دارد، این امر در اشکال بیرونی جلوه‌گر می‌شود، اشکالی که با واقعیت درونی و باطنی هماهنگ است. او نشان می‌دهد که "روش خدا حرکت از هماهنگی بیرونی به هماهنگی باطنی و درونی نیست، بلکه از احیای درونی به احیای بیرونی." حیات و قدرت جدید که در قومی جدید حضور خواهد داشت، همواره اشکال جدید را در حیات بیرونی و ظاهری ایجاد می‌کند.

(T) می‌خواهم مطالبی را در مورد "مسیح موعود در کتاب حزقیال" در میان بگذارم. حزقیال در باره مسیح موعود نبوت کرد. در فصل ۱۷: ۲۲-۲۴، مسیح موعود همچون نازکترین شاخه تصویر شده که از نوک بلندترین درخت سرو گرفته شده که باز نمود خاندان داود است؛ و این شاخه بر کوهی بلند در اسرائیل کاشته می‌شود و در آنجا تبدیل به سروی شکوهمند خواهد شد که همه نوع پرنده در آن آشیانه کرده، در سایه شاخه‌هایش پناه خواهند یافت. تمام درختان دیگر که باز نمود سایر ملت‌ها هستند، خواهند دانست که خدا حاکمانه پادشاهان یهودا را از میان برده بود، اما اینک مسیحای پادشاه را بر می‌انگیزد. در فصل ۳۷: ۲۱-۲۸، مسیح موعود همچون شبان و پادشاه قبایل متحد شده اسرائیل به تصویر کشیده شده که در سرزمین جدید اسرائیل زندگی می‌کند. بسیار روشن است که حزقیال "به توصیف دوره‌ای محدود از رونق اسرائیل در آینده" تحت حکومت مسیحای پادشاه نمی‌پردازد، بلکه "به توصیف وضعیت ابدی و جدیدی می‌پردازد که فقط با آسمان و زمین جدید عهد جدید قابل مقایسه است".

از آنجا که حزقیال هنوز وابسته به مکاشفه عهد عتیق بود، این آینده پرشکوه تمامی قوم خدا را فقط می‌توانست در قالب اصطلاحاتی توصیف کند که برای قوم اسرائیل قابل درک باشد، یعنی در قالب اصطلاحات معبد جدید و عبادت جدید در آن، شهر جدید و سرزمین جدید، و قومی جدید که در آن سرزمین زندگی می‌کنند. "خدا طرح آینده خود را بر حزقیال مکشوف نکرد که طبق آن، ملت‌های غیریهودی، به‌طور برابر با اسرائیل و بر اساس همان موازین، وارثان این آینده پرشکوه خواهند بود. این طرح فقط بر رسولان مسیح به‌هنگام ظهور او مکشوف شد و در عهد جدید توصیف شده است." (افسیان ۳: ۲-۶).

(S) تکلیف برای هفته آینده

اول . هر روز وقت رازگهان داشته باشید و یک فصل از کتاب دانیال را بخوانید. فصل‌های انتخاب شده، عبارتند از دانیال فصل‌های ۲، ۴، ۶، ۷، ۸، ۹ و ۱۲. ملاحظات و تفکرات خود را در دفترتان یادداشت کنید. هفته‌ای یک بار، با یک دوست یا در یک مشارکت خانگی یا گروه شاگردی، آموخته‌ها، کشفیات، و برکات خود را در میان بگذارید.

دوم . کتاب‌های دستور عمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار می‌کنم

سوم . هر شب تا چهارشنبه به برنامه "دوره شاگردسازی از رادیو" گوش دهید.